

مواجه می‌شویم که منابعی در اختیار ندارند که بتوانند آن را وارد بازار سرمایه کنند. میزان کمک‌های بخش دولتی به صندوق‌های باننشستگی، نشان می‌دهد که صندوق‌های باننشستگی تا ۹۰ درصد از پرداختی خود به باننشسته‌ها را از محل پرداختی‌های دولت جبران می‌کنند.

حال راهکار این است که ابتدا فضای اقتصاد کلان برای کسب‌وکار مساعد شود و صندوق‌ها بتوانند شرکت‌های تحت اختیار خود را به نهادهای توانمند برای تولید و کسب‌وکار تبدیل کنند. سپس این نهادها در بازار سرمایه تبدیل به نقدینگی شوند و صندوق‌ها بتوانند این نقدینگی را در جهت بهبود بازار سرمایه و نظام بانکی کشور به کار بگیرند. این موضوع باعث می‌شود که بازار سرمایه و نظام بانکی کشور نیز این منابع را در جهت تولید و توسعه به کار بگیرند و رفع بی‌کاری و توسعه کسب‌وکار انجام شود.

اگر این نظام اجرایی شود، افق میان‌مدت را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

برای ورود به این بحث، بهتر است توضیحات بیشتری درخصوص نظام چندلایه ارائه کنیم. در نظام‌های قدیم تأمین اجتماعی که البته هنوز در دنیا قدرتمند است و بیش از ۶۰ درصد از تأمین اجتماعی در دنیا بر اساس این نظام است، به این صورت است که یک نسل کار می‌کند و از پرداختی‌هایی که دارد، نسل قبل از آن منتفع می‌شود. به طور مثال ما اکنون در حال کار هستیم و هر ماه یک پرداختی داریم. این پرداختی‌ها به صندوق تأمین اجتماعی می‌رود و تأمین اجتماعی حقوق باننشستگان قبل از ما را می‌پردازد. سپس ما که باننشسته شدیم، نسل بعد از ما کار می‌کند و حق بیمه پرداختی آنها را به ما می‌دهند. سال‌ها فکر می‌کردند که این سیستم، سیستم پایداری است. مضاف بر اینکه از منابع اضافی هم سرمایه‌گذاری انجام می‌شد و سود حاصل از این سرمایه‌گذاری به این دریافتی‌ها کمک می‌کرد. اما شکست‌های عمده‌ای در سه دهه اخیر در سطح دنیا پیش آمد که باعث شد صندوق‌های تأمین اجتماعی نتوانند نقش خود را ایفا کنند.

این شکست‌ها به دلیل شکاف جمعیتی است؟

یکی از ریسک‌ها شکاف جمعیتی است. دیگر ریسک این موضوع تورم است. همچنین عدم توانایی پرداخت‌ها نیز به این شکنندگی دامن می‌زند. به همین دلیل باید این نظام تغییر پیدا کند. تغییر ماهیت این کار با استفاده از نظام‌های چندلایه است. این نظام‌ها منابعی که به عنوان حق بیمه پرداخت می‌شود، به نام شخص سرمایه‌گذاری می‌کنند و وقتی که افراد باننشسته شوند، سود این سرمایه‌گذاری به آنها پرداخت می‌شود. حالا اگر زندگی باننشستگان پس از پایان دوران پرداخت حق بیمه، بیشتر از دوران پرداخت باشد، منابع آنها جواب‌گوی نیاز آنها نخواهد بود. در اینجا از منابع سایر افرادی که حق بیمه پرداخت می‌کنند، این ریسک را پوشش می‌دهند. اولین جایی که به سمت این نظام‌ها آمدند، کشورهای آمریکای لاتین بودند که ابتدا دچار بحران شدند و به سمت این نظم‌ها سوق داده شدند. در ابتدای کار این نظام‌ها، بحران‌هایی پیش می‌آید که اگر این بحران‌ها مدیریت شود، مشکلات مرتفع می‌شود. هم‌اکنون در صندوق‌های باننشستگی ایران نظام چندلایه و به‌کارگیری بدون در نظر گرفتن الزامات مطرح شده است. بنابراین نمی‌توان پیش‌بینی کرد که با چه افق میان‌مدت و بلندمدتی روبه‌رو خواهد شد. اما می‌توانیم برای ورودی‌های جدید تأمین اجتماعی، این نظام را حاکم کنیم و برای کسانی که پیش از این وارد تأمین اجتماعی شدند از همان نظام قبلی استفاده کنیم و به مرور زمان تغییر نظام حاکمیتی این صندوق‌ها را انجام دهیم.

نمونه این موضوع را می‌توان در بررسی‌های به‌عمل‌آمده در ایران مشاهده کرد که حاکی از این است که بهره‌وری صندوق‌های باننشستگی در ایران در سه دهه گذشته بین سه تا چهار درصد بوده، در صورتی که همواره سود بانکی از سپرده‌های درازمدت بیش از چهار تا پنج و گاهی هم ۱۰ برابر بیش از بهره‌وری سرمایه بوده است. در واقع اگر این منابع در اختیار نهادهای تخصصی سرمایه‌گذاری قرار می‌گرفت، این منابع به طور بهتر و تضمین‌شده‌تر و نقدپذیرتر مورد استفاده قرار می‌گرفت.

البته نقدی به این صحبت وارد است. اگر این اتفاق رخ بدهد و این نهاد سرمایه‌گذاری بخواهد منابع در دست خود را وارد بانک کند، عملاً از سرمایه‌گذاری در فضای مولد اقتصادی دور می‌شود.

این انتقاد، انتقاد مناسبی است. اما هر بخشی باید مسئولیت و رسالت خود را به خوبی انجام دهد. تفاوت میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز همین است. در تحقیق گسترده‌ای که در ۲۰ سال از سوی دانشمندی به نام ریگز انجام شده، نشان می‌دهد در کشورهای توسعه‌یافته، تفکیک وظایف رعایت می‌شود و هر چیز در جای خود قرار می‌گیرد. اما در کشورهای در حال توسعه، آشفتگی به چشم می‌خورد و هیچ نهادی به طور تخصصی کار خود را انجام نمی‌دهد.

وظیفه نهادهای کلان اقتصادی کشور است که محیط کشور را به شکلی طراحی کنند که سود بانکی و تورم به گونه‌ای مدیریت شود که سرمایه‌گذاری، به‌صرفه باشد و سرمایه‌ها به سمت تولید بروند. وقتی این نهادها نمی‌توانند کار خود را به‌درستی انجام دهند، بار مضاعف به دوش صندوق‌ها می‌افتد. هم‌اکنون دین مضاعف در صندوق‌ها وجود دارد، به این صورت که دولت برای ادای دیون خود به صندوق‌ها، به آنها کارخانه‌های ورشکسته می‌دهد. در صورتی که کارخانه‌های ورشکسته، دین مضاعف هستند. به عبارتی نه تنها مزیتی ایجاد نمی‌کنند، بلکه باید منابع خود را صرف پرداخت حقوق و بازسازی و ارتقای سطح تکنولوژیک این بنگاه‌ها کنند. این موضوع سبب می‌شود مشکلی از کار صندوق‌ها حل نشود. در نظام‌های چندلایه، این صندوق‌ها منابع خود را وارد بانک‌ها می‌کنند و بانک‌ها به عنوان نهاد تخصصی سرمایه‌گذار، موظفند که این منابع را در حقیقت مدیریت کنند. مأموریتی که یک صندوق دارد، توسعه تولید نیست؛ بلکه مأموریت دارد پایداری خود را حفظ کند تا بتواند دیون و تعهدات خود را به نسلی ادا کند که در زندگی کاری خود، منابع را در اختیار این صندوق قرار داده است.

هم‌اکنون نرخ سود بدون ریسکی که برخی از انواع اوراق در بازار سرمایه پرداخت می‌کنند، از سود بانکی بالاتر است. افق و چشم‌اندازی وجود دارد که حجم سرمایه‌های صندوق‌های باننشستگی به جای بانک‌ها، به سمت نهادهای مالی بازار سرمایه‌ای برود؟

این اتفاق قطعاً بسیار خوب است. اساساً در چندلایه شدن نظام‌های تأمین اجتماعی قرار نیست که منابع فقط به سمت بانک‌ها برود؛ بلکه باید پرتفوی مناسبی تهیه شود. این پرتفو می‌تواند در بازار سرمایه شکل بگیرد. در واقع بازار سرمایه که رونق پیدا کند، تولید کشور تقویت می‌شود. اما وضعیت فعلی به صورتی است که صندوق‌ها منابعی ندارند که به این موارد اختصاص دهند. اکنون صندوق‌ها با تعداد زیادی از شرکت‌های غیربهره‌ور و ورشکسته حقیقی و واقعی و مواجه هستند که تأمین منابع این شرکت‌ها برای صندوق‌ها تبدیل به یک دغدغه اساسی شده است. علاوه بر اینکه این تأمین منابع مالی برای اداره بهینه این شرکت‌ها لازم است، این شرکت‌ها باید از توانمندی مالی برای پرداخت دیون باننشستگی برخوردار باشند. حال اگر به این شکل است، با صندوق‌های باننشستگی‌ای

هم‌اکنون در صندوق‌های باننشستگی ایران نظام چندلایه و به‌کارگیری بدون در نظر گرفتن الزامات مطرح شده است. بنابراین نمی‌توان پیش‌بینی کرد که با چه افق میان‌مدت و بلندمدتی روبه‌رو خواهد شد؛ اما می‌توانیم برای ورودی‌های جدید تأمین اجتماعی، این نظام را حاکم کنیم و برای کسانی که پیش از این وارد تأمین اجتماعی شدند از همان نظام قبلی استفاده کنیم و به مرور زمان تغییر نظام حاکمیتی این صندوق‌ها را انجام دهیم.